نقل ناقص عبارت ابن جزری عامل اشتباه صاحب التمهید

> و فی «وافیة الاصول» اتفق قدماء العامّة علی عدم جواز العمل بقراءة غیر السبع أو العشر المشهورة و تبعهم من تکلّم فی هذا المقام من الشیعة و لکن لم ینقل دلیلیعتدّ به، انتهی. و ظاهره جواز التعدّی عنها و یأتی الدلیل المعتدّ به. و فی نسبةذلک إلی قدماء العامّة نظر لشهادة التتبّع بخلافه. نعم متأخّروهم علی ذلک، هذا الحافظ أبو عمر و عثمان بن سعید المدنی و الإمام مکی أبو طالب و أبو العباس أحمد ابن عمّار المهدوی و أبو بکر العربی و أبو العلاء الهمدانی قالوا علی ما نقل: إنّ هذه السبعة غیر متعیّنةللجواز کما سیأتی. و قال شمس الدین محمد بن محمد الجزری فی «کتاب النشر لقراءات العشر»: کلّ قراءة وافقت العربیة و لو بوجه و وافقت المصاحف العثمانیة و لو احتمالاً و صحّ سندها فهی القراءة الصحیحة التی لا یجوز ردّها و وجب علی الناس قبولها، سواء کانت عن السبعة أم العشرة أم غیرهم. و متی اختلّ رکن من هذه الأرکان الثلاثة اطلق علیها أنّها ضعیفة أو شاذّة أو باطلة، سواء کانت عن السبعة أم عمّن هو أکبر منهم، هذا هو الصحیح عند التحقیق من السلف و الخلف. و نحوه قال أبو شامة فی کتاب «المرشد الوجیز» غیر أنّه قال فیه بعد ذلک: غیر أنّهؤلاء السبعة لشهرتهم و کثرة الصحیح المجمع علیه فی قراءتهم ترکن النفس إلی ما نقل عنهم فوق ما ینقل عن غیرهم، انتهی[1]

«نعم متأخّروهم علی ذلک، هذا الحافظ أبو عمر و عثمان بن سعید الدانی»؛ دانی برای ۴۴۴ است. زمان اینها را همه ملاحظه بکنید خوب است .**«و الإمام مکی أبو طالب»**؛ مکی ۴۳۷ است.حدود هفت سال زودتر از دانی وفات کرده. **«و أبو العباس أحمد ابن عمّار المهدوی»**؛ مهدوی نسبت به شهر مهدیه در آفریقا است. اصلش برای آن جا بوده و بعد به اندلس رفته است و بیشتر سکونتش در آن جا بوده. او هم در **۴۴۰** وفات کرده. بین دانی و مکی وفات کرده.**«و أبو بکر ابن العربی»**؛ صاحب عواصم است، کتابش معروف است.

«و أبو العلاء الهمدانی»؛ قبلاً از ایشان صحبت کردیم. مرحوم آقا سید محسن امین در اعیان الشیعه می‌گویند در الفهرست رازی[2]-منتجب الدین- می‌گوید ابوالعلاء «کان من اصحابنا». سنی ها هم تردید ندارند که سنی است. یک عبارات عجیبی است که یکی از سنی ها برای او نقل کرده، وقتی صاحب اعیان الشیعه این را نقل می‌کند، می‌گویند از مدح بالایی که این سنی برای او نقل کرده، «یظهر له حسن سلوکه مع کل احد». یعنی منتجب الدین که می‌گوید «کان من

اصحابنا»، یک جور سرّ گونه خبر داشت. اما نزد عموم سنی ها به هیچوجه معلوم نمی‌شد که شیعی است. شخصیت ابو العلاء بین اهل سنت هنگامه است. کتابهای آن را در سلسله اجازات می‌خواندند و همه مشایخ اجازه می‌دادند. خیلی شخصیت بزرگی است. ما سه ای چهار سال پیش در یکی ای دو جلسه راجع به ایشان صحبت کردیم.

ابوبکر ابن عربی؛ من در فدکیه که نگاه کردم حدود ده-دوازده ابوبکر ردیف است. ابوبکر ابن انباری، ابوبکر باقلانی، این هم ابوبکر ابن عربی است که در سال ۵۴3 وفات کرده است.

«**قالوا علی ما نقل**»؛ نمیدانم ما نقل را از کجا گرفته‌اند. در الاتقان سیوطی هست. جلد یکم صفحه ۲۷۴.

عبارت«إنّ هذه السبعة غیر متعیّنة للجواز» را سیوطی در الاتقان از ابوبکر ابن عربی نقل میکند. ابن حجر عسقلانی نیز در فتح الباری از او نقل میکند. ابن حجر قبل از سیوطی است. این عبارت در کدام یک از کتب ابن عربی است؟ ابن عربی کتابی به نام «القبس فی شرح موطأ مالک بن انس» دارد که این عبارت در آن است. صفحه ۴۰۲؛

> ولیست هذه الرواياتُ بأصل في التعيين بل ربما خرج عنها ما هو مثلها، أو فوقها، كحروف أبي جعفر المدني فإنها فوق حروف عبد الله بن كثير المكي، لأنه أشهر منه**[3]**

«**ولیست هذه الرواياتُ بأصل في التعيين**»؛ میگوید که اینها در تعیین، اصل نیستند. یعنی معین نیستند که حتماً باید سراغ اینها بروید. سیوطی و ابن حجر این عبارت ابن عربی را نقل کرده‌اند. به نظرم ابن حجر عبارت را نقل به معنا کرده است. عبارت فتح الباری این است:

«انّ هذِهِ السّبْعَةَ غیر متعینة الْجَوَازِ[4]». با یک گشتن می‌بینید «للجواز» با «الجواز» فرق میکند. در فتح الباری به این صورت است.

«**و قال شمس الدین محمد بن محمد الجزری فی کتاب النشر فی القراءات العشر**»؛ النشر جلد اول، صفحه نهم. عبارت را نگاه کنید تا آنچه که تصحیح کرده‌ام را بخوانم:

«**کلّ قراءة وافقت العربیة و لو بوجه و وافقت احد المصاحف العثمانیة و لو احتمالاً و صحّ سندها فهی القراءة الصحیحة التی لا یجوز ردّها** اینجا یک عبارت هم افتاده است: **و لا یحل انکارها بل هی من الاحرف السبعة التی نزل بها القرآن و وجب علی الناس قبولها، سواء کانت عن الائمة السبعة أم عن العشرة أم عن غیرهم من الائمة المقبولین**»؛ ملاحظه میکنید که عبارت افتادگی داشت.

«**و متی اختلّ رکن من هذه الأرکان الثلاثة اطلق علیها أنّها ضعیفة أو شاذّة أو باطلة، سواء کانت عن السبعة أم عمّن هو أکبر منهم**»؛ اکبر از سبعه، اول صحابه هستند و بعد کبار تابعین هستند. چون خیلی از این قرّاء میتوانند از صغار تابعین باشند. یا از تابعین استماع کرده‌اند؛ مثل نافع خیلی از تابعین قرائت میکنند. لذا «اکبر منهم» صحابه و کبار تابعین میشوند. کبار تابعین اکبر از قراء سبعه و عشره هستند.«هذا هو الصحیح عند التحقیق من السلف و الخلف».

فی کتاب المرشد «**و نحوه قال أبو شامة**»؛ ابن جزری متوفی ۸۳۳ است اما ابوشامه ۶۶۵ است.«**الوجیز غیر أنّه قال فیه بعد ذلک**»؛ در اینجا عبارتی هست که باید آن را بیاوریم. عبارت ابو شامه مهم است. اینها می‌افتد و بعد می‌بینید برداشت های عجیب و غریبی می‌شود که در کتابها هم پخش می‌شود. ان القرائات المنسوبه الی کل قارء من السبعه و غیرهم منقسمة الی مجمع علیه و الشاذ **غیر أنّ هؤلاء السبعة لشهرتهم و کثرة الصحیح المجمع علیه فی قراءتهم ترکن النفس إلی ما نقل عنهم فوق ما ینقل عن غیرهم**»؛ صریحاً می‌گوید هم سبع و هم غیر سبع دو جور هستند. مجمع علیه و شاذ. یعنی در سبع مجمع علیه و شاذ داریم. در غیر سبع هم شاذ داریم. این فضای بحث او است.

عبارتی که از النشر نقل شد، یکی از پرکاربردترین عبارات علوم قرآنی است. شاید بالای هزاران بار این عبارت ابن جزری در کتابها آمده است. امروز خودم به اطمینان رسیدم که صاحب التمهید که این عبارت را آورده‌اند کنار دستشان النشر نبوده. صاحب التمهید وقتی این عبارت النشر را در صفحه چهل در جلد دوم می‌آورند، از یک کتابی می‌آورند که بخشی از عبارات را انداخته بود. مانند اینجا که انداخته بود. اما در همین جلد دوم، صفحه ۱۴۰، منبع دیگری به‌غیر از خود کتاب در دستشان بوده آن جا عبارت را می‌آورند. یعنی بار دومی که می‌خواهند عبارت را بیاورند عین همینی که من خواندم را می‌آورند. اما اول کتاب چه چیزی می‌خواهند بگویند؟ اتفاقا منبعی که در آن جا در دست صاحب التمهید بوده و این عبارات را نداشته، کامل برداشت ایشان را صد و هشتاد درجه عوض کرده و مقابل حرف ابن جزری شده. عبارت اول را ببینید حتی این «وجب» و « لایجوز رداه » هم در عبارتشان نیست:

قال الحافظ «ابن الجزری»: «کل قراءة وافقت العربیة- و لو بوجه- و وافقت أحد المصاحف العثمانیة- و لو احتمالا- و صح سندها، فهی القراءة الصحیحة. سواء کانت عن الائمة السبعة ام عن العشرة ام عن غیرهم، من الائمة المقبولین. و متی اختل رکن من هذه الثلاثة، اطلق علیها«ضعیفة» او «شاذة» او «باطلة». سواء کانت عن السبعة ام عمن هو اکبر منهم»**[5]**

بقیه عبارات تماماً ساقط شده. ایشان گفته‌اند سه شرط نیاز داریم. موافقة عربیت، موافقت مصحف، صحت سند. اگر یکی از اینها نباشد، ضعیف و شاذ و باطل می‌شود.خب ایشان در بخش اول التمهید می‌گویند شما چه می‌گویید؟! متخصصین فن می‌گویند که سبع تواتر ندارد. کدام متخصص؟! ابن جزری.

«سواء کانت عن الائمة السبعة ام عن العشرة ام عن غیرهم»؛ می‌گویند اگر اینها را دارد از اینها است. «**و متی اختل رکن من هذه الثلاثة، اطلق علیها «ضعیفة» او «شاذة» او «باطلة».سواء کانت عن السبعة ام عمن هو اکبر منهم**»؛ یعنی سواء کانت عن السبعه، باز هم به آن شاذ می‌گویند. ایشان چه معنا می‌کنند؟ می‌گویند خودش می‌گوید که در سبعه شاذ داریم. با این بیان می‌گویند ابن جزری که خودش اهل است، دارد می‌گوید قرائات سبع متواتر نیستند. اگر اصل کتاب دست ایشان بود اصلاً ذهن ایشان را در استظهار عوض می‌کرد. به‌خاطر اینکه ابن جزری به قدری تأکید می‌کند که اگر صحیح السند بود حکم خدا است، حرام است در کنید، از احرف سبعه است. با این وجود ذهن ایشان سراغ این نمی رفت که ایشان دارد تواتر را انکار می‌کند. کسی که دارد می‌گوید حتی اگر صحیح السند بود حرام است در کنید، بعد می‌خواهد بگوید که سبع متواتر نیست؟!

اما نسبت به این عبارت «سواء کانت عن السبعة ام عمن هو اکبر منهم»، ایشان می‌گویند که ببینید دارد می‌گوید در سبعه شاذ هست. خب قبل از آن می‌گوید « کل قرائة وافقت العربیة ... و صح سندها ... و متی اختل رکن من هذه الثلاثة»؛ یعنی صحیح السند نباشد. اگر صحیح السند نباشد برای یک طریق کافی است. مثالی که دیروز از حاج آقای حسن زاده خواندیم. برای نافع یک

طریق آمده که می‌گوید «معائش»، می‌گویند که ضعیف است. ایشان می‌گویند دیدی که گفت متواتر نیست؟! خب او که نگفت سبع متواتر نیست. می‌گوید اگر یک روایتی آمد که صحیح السند نبود، شاذ است.

بنابراین فضای عبارت ابن جزری کاملاً روشن است. همچنین فضای عبارت المرشد الوجیز کاملا روشن است. ان شاالله بعداً می‌آوریم و مفصل عرض می‌کنم. من که دوباره عبارت مرشد الوجیز را خواندم، ولو ابن جزری بالا می‌رود و پایین می‌رود و خودش را می‌زند که اینها چه حرف‌هایی است و چرا تسکب العبارات می‌گویید، ولی باز عبارت المرشد الوجیز می‌خواهد چیزی را بگوید که اگر ذهنیت او را به‌خوبی باز کنید این ایرادات به او وارد نیست. درست است که خط قرمز ابن جزری را رد کرده که ایشان ناراحت می شود اما در همان ها مقصودی دارد. اینکه می‌گوید «قلة ضبط الراوی» که ابن جزری خیلی از این تعبیر ناراحت شد و می‌گوید ای کاش کتاب المرشد را از روی کره زمین محو کنند که این‌چنین حرفی را زده است. من به گمانم این‌چنین نباشد. ان شاالله در بحث از « تکسب العبارات» به این بررسیم ان شاءالله.

شاگرد: در ذهن من کاملاً محتمل است که صاحب التمهید همین عبارات را دیده باشد و باز همین برداشت را بکند. یعنی در نظر ابن جزری این طور بوده که صحیح السند را معتبر می دانست. عبارات ابن جزری را جلوی صاحب التمهید بگذارید، ایشان می‌گوید متواتر نیست.

استاد: چطور؟

شاگرد: این ذهنیت همچنان می‌تواند باشد.

استاد: در ده جای دیگر در کتاب النشر و در کتب دیگرش می‌گوید سبع که هیچ، عشر متواتر است.

شاگرد: عرض من در این سه خط است. یعنی با ذهنیتی که ایشان داشته اگر این پاراگراف هم بود، باز همین حرف را می‌زد. یعنی وجود این سه- چهار جمله ذهنیت صاحب التمهید را عوض نمی‌کند. چون ایشان اصلاً توجه ندارد که اینها انواع طرق دارند. لذا با همین جمله «اختل رکن من هذه الثلاثة»؛ می‌گوید این اختلال حاصل شده و در نتیجه گاهی وقتها شاذ است.

استاد: در فدکیه یک صفحه هست. عبارت ابو شامه را آورده‌ام. آن جا را نگاه کنید. نظیر عبارت دیروز واضح توضیح می‌دهد که من می‌گویم مجمع علیه و شاذ داریم. بعض منتسب به اینها است. ابو شامه در این فضا است. ابن جزری هم که ناراحت می‌شود، می‌توان به‌گونه‌ای توضیح داد که ناراحتی او هم کمتر شود. ان شاالله عبارت او را می‌خوانیم. پنج نکته در مورد حرف سفیان بن عیینه مانده که روی آن تأمل کنید. شما اگر بیشتر از آن استفاده کنید خوب است، منظره ابو الطاهر با ابن عیینه پنج نکته خیلی خوب دارد که یکی از آن‌ها سرآمد همه نکته‌ها است که در فدکیه آورده ام و یادداشت هم کرده ام ملاحظه بکنید.

شاگرد: راجع به چیست؟

استاد: در مورد حرف سفیان به عیینه است. پنج مورد است، مخصوصاً سومی آن‌ها. به گمانم خیلی واضح است. برای بحث تواتر هم به کار می‌آید. تواتری که ای قه‌قرائی ای استقبالی است.

---

[1]مفاتح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين) ج۷ ص۲۱۱

[2] الفهرست (للزازي)، النص، ص: ۵۹-منتجب الدين، 142؛ صدر الحفاظ أبو العلاء الحسن بن أحمد بن الحسن العطار الهمداني؛ العلامة في علم الحديث و القراءة كان من أصحابنا و له تصانيف في الأخبار و القراءة منها كتاب الهادي في معرفة المقاطع و المبادئ شاهدته و قرأت عليه

[3]القبس في شرح موطأ مالك بن أنس ص۴۰

[4]فتح الباري ج۹ ص۳۰

[5]التمهيد في علوم القرآن ج۲ ص۵۰

بازبینی #3
ایجاد شده 23 مارس 2024 20:11:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 مه 2024 14:02:18 توسط ... .